



پایداری کارگران هپکو، جلوه ای از رزم قهرمانانه کارگران ایران با سرمایه داران است!

جمهوری اسلامی به مثابه رژیم سرمایه داران خارجی و داخلی در ایران با حمله دد منشانه اخیر خود به کارگران رزمنده هپکو یک بار دیگر عجز و ناتوانی خود در پاسخ به خواسته های به حق نه فقط این کارگران بلکه کارگران سراسر ایران را به نمایش گذاشت.

کارگران هپکو که طی هفته های گذشته با خواست های معینی چون پرداخت حقوق های عقب افتاده، لغو خصوصی سازی و برگرداندن کارخانه به دولت به جمع، تظاهرات و راهپیمائی در شهر دست زده بودند، از آنجا که هیچ پاسخی از طرف به اصطلاح مسئولین دریافت ننمودند، در ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ اقدام به بستن راه آهن شمال به جنوب نموده و با ممانعت از حرکت قطارها و حمل و نقل کالا کوشیدند تا در مقابل سد دیکتاتوری عریان حکومت، گوشه ای از قدرت لایزال خود را به جمهوری اسلامی ثابت کنند. در مقابل، این رژیم حامی سرمایه داران تنها توانست استیصال خود در مقابل کارگران رزمنده هپکو را با فرستادن نیروهای مسلح خود به سراغ کارگران جهت سرکوب آنان به نمایش بگذارد.

نیروهای وحشی متعلق به سرمایه داران، کارگران تحت ستم و رزمنده هپکو را با وسایل "ضد شورش" خود خونین و لت و پار کردند و صحنه جنایتکارانه دیگری از سرکوب های رژیم جمهوری را در معرض دید همگان قرار دادند. در جریان این یورش، تعدادی از کارگران نیز توسط نیروهای مزدور دستگیر شدند. اما، به راستی که نمایش این ظاهراً قدر قدرتی جمهوری اسلامی، جز نشانه عجز و ناتوانی و استیصال این رژیم حامی سرمایه داران خونخوار در مقابل نه تنها کارگران رزمنده هپکو، بلکه در مقابل کارگران مبارز سراسر ایران نمی باشد - که کماکان قهرمانانه برای تحقق خواسته های خویش می رزمند و رضا و تسلیم را پذیرا نیستند.

مردم مبارز ایران شاهدند که پس از فرو کش نسبی مبارزات پر شور و آگاهی بخش کارگران در طی سالهای ۱۳۹۶-۱۳۹۷، چگونه نیروهای امنیتی با حمله شبانه به خانه های کارگران مبارز در سراسر ایران که به خصوص در حمله به خانه های کارگران هفت تپه و فولاد اهواز با برجستگی مطرح شد، با بازداشت و به شلاق بستن کارگران و همچنین با ترفندهای گوناگون رساندن خبر شکنجه کارگران مبارز در شکنجه گاه های خود به گوش مردم جهت ایجاد ترس و وحشت در میان کارگران ایران، حرکت کرده و تلاش می ورزند تا جلودار مبارزات حق طلبانه کارگران ما گردند؛ مردم ما شاهدند که قوه قضائیه این رژیم چگونه با صدور محکومیت های سنگین برای کارگران مبارز، با تهمت زنی به آنان و جو سازی علیه کارگران و به طور کلی با تشدید حملات همیشگی خود به کارگران شریف و رزمنده ایران، می کوشد صدای حق طلبانه و آزادیخواهانه آنان را خفه نماید. اما دیدیم که هنوز مرکب احکام صادر شده توسط زبردستان ابراهیم رئیسی، همان قصاب زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ خشک نشده بود که آوای رسای مبارزات کارگران هپکو و آذربایجان، کاسه و کوزه آنها را به هم ریخت و نشان داد که صدای کارگرانی که فریاد می زنند که حاضرند در راه آزادی جان دهند، خاموش شدند نیست. این نکته مبارزاتی ساده اما، پیام مهمی ست که در میان خونابه های ایجاد شده از پوست و گوشت کارگران به جان آمده برای سرمایه داران حاکم و رژیم خدمتگزار آنان پژواک شد، پیامی که برای هر چشم بینا و وجدان آگاه قابل درک می باشد.

چه کارگران هپکو با مبارزات اخیر خود و چه دیگر کارگران در سراسر ایران که علیرغم همه شرایط خون بار و وحشتناکی که جمهوری اسلامی در دفاع از منافع سرمایه داران برای توده های در بند ما به وجود آورده است، به پا خاسته و با رشادت در صحنه مبارزه علیه ظلم و ستم حاضر می شوند، به نوبه خود مهر تأیید بر این واقعیت می زنند که طبقه کارگر به راستی پیگیرترین و انقلابی ترین طبقه در جامعه بوده و شایستگی آن را دارند که وظیفه رهبری مبارزات همه توده هائی که از حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته ایران در رنج اند را به عهده بگیرند. از سوی دیگر، ضرب و شتم وحشیانه اخیر کارگران هپکو همچون موردهای مشابه در مورد دیگر کارگران ایران، بار دیگر این درس بزرگ را به کارگران و روشنفکران واقعا دلسوز یادآوری می کند که کارگران ایران برای مقابله با قهر ضد انقلابی سرمایه داران، حتی برای تحقق ابتدائی ترین حقوق انسانی خود - به گونه ای که در حرکت اخیر کارگران هپکو نمایان شد - مجبور به توسل به قهر انقلابی می باشند و اساساً تنها در مسیر یک مبارزه قهرآمیز سازمان یافته است که طبقه کارگر ما فرصت و امکان متشکل شدن و در نهایت رهبری مبارزات انقلابی در جامعه تحت ظلم و ستم و دیکتاتوری را خواهد داشت. این تجربه همچنین یک بار دیگر بی پایه و پوچ بودن راه حل های فریبکارانه و توهم برانگیز گویا اول "اعتصاب عمومی" و بعد "قیام" که در اوایل قرن بیستم در برخی از کشورها با ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و حاکمیت های سیاسی متفاوت با ایران کنونی عملی بود را نیز آشکار می سازد و یادآور می شود که تحت سلطه دیکتاتوری های ناشی از حاکمیت سرمایه داری وابسته که بس وحشی و عنان گسیخته می باشند (و تا زمانی که این سیستم در ایران حاکم است چنان رژیم های دیکتاتور را حتی در شکل ظاهراً مدرن هم به وجود خواهد آورد)، از طریق مبارزات مسالمت آمیز، خواسته ها و اهداف طبقه کارگر متحقق شدنی نیست.

چریکهای فدائی خلق ایران ضمن حمایت از مبارزات کارگران رزمنده هیکو و محکوم نمودن یورش و ضرب و شتم کارگران توسط نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی، از همه نیروهای مردمی می خواهند که با همه توان خود به حمایت از مبارزات کارگران هیکو و دیگر کارگران تحت ستم و رزمنده و آزادیخواه ایران برخیزند و ضمن پشتیبانی از حقوق و مبارزات همه کارگران ایران، یک صدا خواهان آزاد شدن تمامی کارگران دربندی شوند که برای اعاده حقوق انسانی خویش به بند کشیده شده اند.

بکوشیم با تشدید مبارزه در جهت سرنگونی رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری حاکم در ایران به سهم خود به رشد و گسترش مبارزات کارگران و ارتقای سطح مبارزات آنان یاری رسانیم. برای نابودی رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی و نظام دیکتاتور و وابسته حاکم، برای تحقق جامعه ای که در آن حق و حقوق و کرامت انسانی کارگران و زحمتکشانشان یک اصل بدیهی ست، برای جامعه ای که در آن شعار حداقل "نان، کار، آزادی و استقلال" برآورده شده باشد، هیچ راهی جز سازماندهی تمامی جویبارهای مبارزات جاری کارگران و توده های ستمدیده و اعمال قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی حاکمان کنونی وجود ندارد. این حقیقتی ست که خون کارگران هیکو و تمامی کارگران مبارز ایران در طول چهل سال اخیر بارها آن را به اثبات رسانده است.

**نابود باد رژیم کارگر ستیز و وابسته جمهوری اسلامی!
درود بر کارگران مبارزی که قهرمانانه برای تحقق خواسته های خود می رزمند!
زنده باد قهر انقلابی کارگران و دیگر ستمکشانشان علیه استعمارگران!
زنده باد انقلاب!**

چریکهای فدایی خلق ایران
۲۶ شهریور ۱۳۹۸ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۹